بایسته‌های مواجهه با جریان معنویت‌گرایی جدید در بیانیه گام دوم انقلاب

محمدحسین کیانی[1]

چکیده

معنویت در بیانیه‌گام دوم انقلاب، از جایگاه مهمی برخوردار است؛ هم ازاین‌رو که یکی از دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب،ارتقای معنویت اسلامی بوده و هم از این جهت که یکی از اهداف مهم در گام دوم، ارتقای بیشتر آن در جامعه ایران به حساب آمده است. البته در مقام ارتقای بیشتر معنویت در گام دوم چالش‌هایی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها، رواج معنویت‌گرایی جدید در ایران است. از همین رو، این مقاله عهده‌دار بررسی پیامدهای معرفتی معنویت جدید و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن در جامعه ایرانی است.

معنویت جدید دارای پیامدهای متنوعی نظیر ترویج اومانیسم، تحریف فرجام‌گرایی، تبلیغ معنویت اباحه‌گرایانه، تعبیر زمینی از عشق و تعبیر مادی از آرامش معنوی است و مهم‌ترین رویکرد برای مقابله با این گونه پیامدها، ارتقای سطح آگاهی عمومی است؛ به عبارت دیگر، افزایش کیفی آگاهی درباره پیامدهای منفی معنویت جدید ازیک سو و محاسن معنویت اسلامی از سوی دیگر، به منزله رویکرد کلانی در راستای تحقق معنویت اسلامی مندرج در بیانیه گام دوم قلمداد می‌شود.

بر همین اساس، می‌توان به سه راهبرد اشاره کرد. نخست، راهبردکوتاه‌مدت تحت عنوان «بیان معایب معرفتی، فرهنگی و اجتماعی معنویت جدید»؛ دوم، راهبرد میان‌مدت با عنوان: «تغییر نگرش ایرانیان در مورد باورهای معنویت‌گرایی جدید»؛ سوم، راهبرد بلندمدت که عبارت است از «ارتقای آگاهی از محاسن معنویت اسلامی به منظور تمایل ایرانیان به سوی باورها و لوازم معنویت اسلامی».

واژگان کلیدی: معنویت جدید، پیامدهای معرفتی، تهاجم فرهنگی، راهکارهای مواجهه، مقام معظم رهبری.

---

۱. دانش‌آموخته دکتری فلسفه تطبیقی دانشگاه قم؛ kiani61@yahoo.com

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران در میان دیگر انقلاب‌های تاریخ، به منزله تنها انقلابی است که بعد از گذشت چهل سال توانسته همچنان بر آرمان‌هایش تکیه کرده و به تحقق اهداف کلان خود امیدوار باشد. در این میان، یکی از مهم‌ترین مسائل انقلاب، توجه به فاصله میان بایدها و واقعیت‌هاست و توجه به اینکه: «اکنون پس از گذشت چهل سال، انقلاب اسلامی به چه دستاوردهایی توانسته دست یابد و ناظر به هر دستاورد، چه اهداف کلان دیگری برای انقلاب قابل تصور است؟» چنانچه بر اساس همین بینش نیز می‌توان بعد از چهل سال به ارزیابی پیشرفت‌ها در حوزه معنویت پرداخت و اهداف کلان در این حوزه را نیز ترسیم کرد.

با مطالعه «بیانیه گام دوم انقلاب» درمی‌یابیم که از یک‌سو، موفقیت‌های انقلاب اسلامی بعد از گذشت چهار دهه ترسیم شده و از طرف دیگر، ایده‌آل‌ها و اهداف مد نظر طی دهه‌های بعدی نیز ترسیم شده است. در واقع، مهم‌ترین موفقیت‌های چهل سال گذشته عبارت است از:

۱. ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران؛
۲. موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی؛
۳. به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی؛
۴. ارتقای شگفت‌آور بینش سیاسی آحاد مردم؛
۵. سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور؛
۶. افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه؛
۷. ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان.

همچنین، توصیه‌هایی در برابر این دستاوردها نیز وجود دارد که مهم‌ترین آنها درباره مسائلی است نظیر علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی.

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل انقلاب اسلامی «معنویت» است. این مهم همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری واقع شده و در بیانیه گام دوم نیز هم در بخش «برکات

بزرگ انقلاب اسلامی» و هم در بخش «گام دوم؛ سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی» به آنهااشاره شده است. طبق این بیانیه، انقلاب اسلامی در این چهار دهه توانسته به افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه نائل شود. مقام معظم رهبری درباره این موفقیت چنین گفته‌اند:

«عیار معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه به‌گونه‌ای چشمگیر افزایش یافت. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت، از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی، از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند، دل کندند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی، از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است و اینها

همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است».[۱]

بر همین اساس، مسئله مقاله این است که چه راهکارهایی برای مواجهه با معنویت جدید برای تحقق چشم‌انداز معنویت در بیانیه گام دوم وجود دارد؟ ازاین‌رو، نخست به چالش‌های معرفتی معنویت جدید برای تحقق بیانیه می‌پردازیم و در پایان به برخی راهکارها برای مقابله با این چالش فرهنگی در مقام تثبیت معنویت اسلامی اشاره می‌کنیم.

۱ - چالش‌های معنویت‌گرایی جدید در تحقق گام دوم

معنویت و اخلاقِ حقیقی در اندیشه مقام معظم رهبری «برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل و ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکوست. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آنها حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند».[۲] بر همین اساس، ایشان در چشم‌انداز دوم و در مقام تبیین «معنویت و اخلاق» بیش از همه به چالش‌ها توجه داشته‌اند:

«شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً، خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این‌باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و

---

۱. بخشی از بیانیه گام دوم.

۲. برای تفصیل نگاه کنید به: https://farsi.khamenei.ir/message-content

اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند. ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این‌باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیش رو باید در این‌باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود»

در این میان، رونق «معنویت‌گرایی جدید» یکی از چالش‌های اساسی در تحقق معنویت و اخلاق اسلامی در جامعه ایران است. این چالش به دلیل تفاوت‌های مبنایی است که میان معنویت جدید (سکولار) با معنویت اسلامی وجود دارد. در واقع، روح تعالیم معنویت‌های نوپدید حاوی مؤلفه‌های بنیادینی است که در تعارض و چالش بدیهی با معنویت اسلامی است. برای مثال می‌توان به موارد زیر از چالش‌ها اشاره کرده که در متن بسیاری از آموزه‌های معنویت جدید یافت می‌شود[1]:

۱-۱ـ اومانیسم

در بسیاری از جریان‌های معنوی از خدا یاد می‌شود؛ بدین‌معنا که وجود خدا مفروض دانسته می‌شود؛ لکن مسئله بر سر میزان دخالت او در امور انسانی است. خدای این‌گونه معنویت‌ها، حقیقتی فاقد اختیار، اراده و قدرت دخالت در جهان است؛ بدین‌سان که اختیار، اراده و قدرت مطلق از آن انسان‌هاست. این بیان‌ها دقیقا تداعی‌کننده مفهوم فلسفی اومانیسم است. بدین‌سان، بسیاری از جنبش‌های معنوی مصداق روشنی از معنویت اومانیسمی را به نمایش می‌گذارند. جنبش‌های نوپدید دینی به‌واسطه پیروی از مؤلفه‌های مدرنیته، بالاخص اومانیسم، انسان را در مسند خدا قرار می‌دهند؛ به این امید که مشکلات انسان خداگونه به پایان رسد. حال آنکه این سرآغاز گرفتاری انسان فاقد معنویت و یا بهتر بگوییم، انسان فاقد خداست. پال توئیچل می‌گوید: انسان‌ها به خدا رخصت می‌دهند که

۱. برای تفصیل نگاه کنید به: محمدحسین کیانی، مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران، ۱۳۸۸.

هستی داشته باشد؛ وگرنه خدا نه شکلی داشت و نه صورتی و نه صاحب هیچ‌گونه ارکانی که بتواند نیات خود را به بشر سرایت دهد؛ مگر اینکه بشر خود این وسائط را در اختیارش بگذارد. به عبارت دیگر: خدا تنها در صورتی می‌توانست متجلّی شود که آدمی از قوای پندار و تخیل خود به‌عنوان مجرایی برای تجلّی آن استفاده کند. فقط از طریق این رکن بود که خدا می‌توانست بدین طبقه خاکی راه یابد. خدا از این قالب به منزله مجرایی استفاده می‌کرد تا به جهان زمین بیاید و بر بشر متجلّی شود (توئیچل، ۱۳۷۹: ۲۸).

۱-۲ـ تحریف معاد و فرجام‌گرایی

تناسخ - از تعالیم پرآوازه هندوئیسم - در اصطلاح موجب پیدایش چنین تفسیری است که روح آدمی در هنگام مرگ در همه احوال، جز در حالتی خاص که روح در مقامی جاویدان در اعلی علیین با برهما وحدت پیدا می‌کند یا آنکه در اسفل السافلین به طور ابد سرنگون می‌شود، یك سلسله تولدها و تجدید حیات را طی می‌کند و پیاپی از عالمی به عالم دیگر درمی‌آید. انسان در هر دوره، زمان حیات خود را طی می‌کند و سرانجام در زمان مرگ، بار دیگر به پیکر دیگری منتقل می‌شود. در برخی از کتب مقدس هندو آمده است که آدمی در نتیجه ارتکاب گناهان متفاوت، مستحق تبدیل به موجودات متفاوتی است؛ مثلا در نتیجه گناهان بسیار، تبدیل به موجودی بی‌جان می‌شود؛ در نتیجه گناه‌های گفتاری، در کالبد پرنده‌ای ظاهر می‌شود؛ و در نتیجه ارتکاب معاصی ناشی از مغز و اندیشه، در طول سالیان دراز در طبقه‌ای پست‌تر تجدید حیات می‌کند[1] و ... . استفاده از نظریه تناسخ در انواع جنبش‌های نوپدید، بالاخص از نوع غربی، می‌تواند علل گوناگونی داشته باشد که در این میان، دو مورد از اهمیت بیشتری برخوردار است:

نخست: در بسیاری از جنبش‌های نوپدیدِ دینی، تلاش می‌شود تا انواع اعتقادات ماورایی ادیان (بالاخص ادیان توحیدی) به‌صورت زمینی و دنیوی تعبیر و تفسیر شود. این تبدیل و تبدل در بسیاری از تعالیم آنان مشهود است؛ مثلا به جای خدامحوری،

---

۱. ساتیا سای‌بابا مؤسس یکی از جنبش‌های شرقی درباره تناسخ می‌گوید: زمانی که انسان می‌میرد، در کل محو نمی‌شود؛ یعنی به نیروانا نمی‌رسد، در بهترین حالت ما بین زمین و آسمان -بهشت- سرگردان می‌ماند. او برای مدتی که شایسته آن است، در آنجا می‌ماند و پس از آن دوباره بر زمین فرود می‌آید تا بار دیگر برای رستگاری بکوشد (سای بابا، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

انسان‌محوری و به جای معادگرایی، تناسخ‌باوری می‌نشیند و یا به جای انواع معجزات، افعال خارق عادت و ... . این جریان با اتکا به رویکرد مبارزه با معنا و معنویت رخ می‌دهد که بر مبنای مادی‌گرایی استوار است.

دوم: گاهی از تناسخ به‌عنوان یك نیروی بازدارنده اجتماعی-سیاسی استفاده می‌شود؛ بدین‌صورت که اگر انسان از قراردادهای اجتماعی سرپیچی کند، به یك حیوان، گیاه و یا حتی جماد تبدیل می‌شود. مثلا اگر کسی دست به توطئه اجتماعی زد و یا مرتکب دزدی شد، اگر شخصی مرتکب هر نوع خشونت و یا قتل شد و یا اینکه بر حاکمان و سیاستمداران خروج کرد، مستحق تبدیل شدن به حیوانات، گیاهان و حتی اشیاء است. این حرکت بر مبنای استفاده ابزاری از معنویت و دین رخ می‌دهد. برای مثال، با تناسخ‌باوری رنج‌ها، کاستی‌ها و ظلم‌هایی که از طرف رجال سیاسی بر مردم هموار می‌شود، توجیه می‌شود؛ چرا که اگر افراد جامعه در برابر سختی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی صبر پیشه کنند و دست به شورش و طغیان نزنند، متقابلا در حیات بعدی دارای زندگی راحت و آسوده‌ای می‌شوند.

۱-۳ـ اباحه‌گرایی و مخالفت با شریعت

شریعت دینی دارای مزیت‌های فردی و اجتماعی فراوانی است. شریعت‌گرایی در بعد فردی همسوی رشد و تعالی جسم و روح آدمی است و در بخش اجتماعی باعث گسترش نظم و انضباط گروهی و آرامش جمعی می‌شود. اما شریعت حقیقی در مسیر حیات تاریخی خود، با دو جریان مخالف روبه‌رو بوده و هست:

نخست، افراط‌گرایی در شریعت‌مداری و دیگر، نهادینه‌شدن مؤلفه ماده‌گرایی. رویکرد ماده‌گرایی به همراه اصیل دانستن لذت‌طلبی و لذت‌مداری ظاهر می‌شود. در واقع، معنویت‌گرایی جدید، مخالفت با شریعت است؛ چنانچه می‌توان معنویت جدید را همچون دینِ منهای شریعت به حساب آورد. بدین‌سان، معنویت‌های نوظهور خواهان جذب جستجوگران معنویت و تبدیل آنان به افرادی شریعت‌گریز و شریعت‌ستیز هستند و برای حذف شریعت، به تخریب اصل ضابطه‌مندی جهان و قانون‌مداری آن دست می‌زنند.

برای نمونه، اوشو در شعار معروف خود به مریدان می‌گوید: کل کائنات یك شوخی است. خداوند همیشه در حال شوخی است. به زندگی خودت نگاه کن خنده آور است. به

زندگی دیگران نگاه کن، همه‌اش را شوخی خواهی یافت. شوخی، شوخی، شوخی. جدیت بیماری است. جدیت را با معنویت هیچ سرو کاری نیست. معنویت، خنده، نشاط و تفریح است. من به کمال نرسیده‌ام، بلکه قابلیت لذت بردن از نقایصم را به دست آورده‌ام. هیچ‌کس به کمال نمی‌رسد... زندگی ابدی است. کمال به دست نمی‌آید؛ زیرا زندگی همچنان جاری است و تا ابد ادامه دارد... نقصان حقیقت زندگی است. شما سعی دارید به کمال برسید و من نقایص خودم را پذیرفته‌ام (اشو، ۱۳۸۳: ۸۶). همه آیین‌ها بر پایه دستاویزی ساختگی بنا شده است. همه شیوه‌ها دروغین‌اند. می‌توان دستاویزهای تازه‌ای به بار آورده و دین‌های تازه‌ای پدید آورد. دستاویزهای کهنه، فرسوده می‌شوند. دروغ‌های کهنه از رنگ و بو می‌افتند و به دروغ‌های نوتری نیاز خواهد بود (اشو، ۱۳۸۰: ۲۰).

۱-۴ـ تعبیر مادی از آرامش معنوی

تامین آرامش در دنیای معاصر، به یکی از احتیاجات مهم انسانی بدل شده است؛ نیازی که فقدان آن روزبه‌روز در دوران مدرن بیشتر می‌شود. بدین‌سان، اگر در ادیان الهی، راه رسیدن به آرامش، از طریق اتصال به خداوند قوام می‌یابد، در فرقه‌های جدید، وجود مطلق لایزال یعنی «خداوند» جای خود را به «انسان» می‌دهد. در نتیجه آدمی آرامش را در دستاوردهای دنیوی جستجو می‌کند. حال آنکه دستاوردهای دنیوی که نمود آن مثلا در پیشرفت تکنولوژی مشهود است، خود یکی از مهم‌ترین عوامل سلب آرامش انسان مدرن است. به دیگر سخن، اگر قرار بود دستاوردهای مادی و پیشرفت تکنولوژی باعث ایجاد آرامش شود، چرا انسان‌های غربی که در اوج پیشرفت مادی هستند، با بزرگ‌ترین چالش‌های روانی دست و پنجه نرم می‌کنند؟ کریشنامورتی توجه به زیبایی‌های مادی را موجب تحصیل آرامش معرفی کرده و می‌گوید: برای تحقق آرامش و صلح درونی، انسان باید زیبایی را بشناسد. به همین خاطر است که ما می‌گوییم: وقتی جوان هستید، باید در اطراف خود فقط زیبایی داشته باشید. زیبایی ساختمان‌ها، تجهیزات مورد استفاده، زیبایی بر اثر تمیزی و نظافت، و زیبایی سکوت. با شناخت زیبایی است که ما می‌توانیم عشق را درک کنیم؛ زیرا درک زیبایی به معنای آرامش و سکون قلبی است. او معتقد است آدمی همین‌طور که بزرگ می‌شود، چیزهای زشتی هم در زندگی می‌بیند. ساختمان‌های زشت، مردم زشتی

که از نفرت، خشونت، خودپسندی، جاه‌طلبی، حرص و آزمندی سرشارند و چنان‌چه در قلب شما درک مفاهیم زیبایی نشسته باشد و تثبیت نشده باشد، به‌آسانی این موج زشتی در جهان، شما را با خود به هرجا که بخواهد می‌برد. در نتیجه شما درگیر مبارزه دائمی برای پیدا کردن صلح و آرامش به‌وسیله ذهن خود خواهید بود (مورتی، ۱۳۷۶: ۱۷۳).

۱-۵ـ تعبیر زمینی از عشق معنوی

در برخی از معنویت‌های نوظهور، عشق دارای اهمیت فراوان است. برای نمونه، اشو در موارد زیادی عشق را به ارتباط جنسی معنا می‌کند. وی در کتاب آفتاب در سایه اعلام می‌دارد که: وجد و شور در سکس، بارقه‌ای از وجد عرفانی است (اشو، ۱۳۸۲: ۱۸۸). در تعالیم اشو درباره روابط جنسی دو نکته مهم وجود دارد:

نخست، دگرگونی معنوی از طریق رابطه جنسی اتفاق می‌افتد؛ یعنی اولین گام و یا درب ورودی دگرگونی معنوی، با رابطه جنسی رقم می‌خورد. اشو می‌گوید: تانترا[1] فیلسوف بزرگ شرقی، آمیزش را مقدس و مهم‌ترین انرژی حیات می‌خواند. کل دگرگونی قرار است از طریق این انرژی اتفاق بیفتد (همان: ۳۸۳). از طرف دیگر، تلاش برای توجیه و رفع قبح رابطه جنسی آزاد انجام می‌شود؛ چنانچه اشو معتقد است، قبل از عشق‌بازی با یک زن یا یک مرد، ابتدا دعا کن؛ زیرا در اینجا دیدار ملکوتی انرژی‌ها در راه است. خدا تو را احاطه خواهد کرد. هرجا دو عاشق هستند، خدا آنجاست. هرجا که انرژهای دو عاشق به هم می‌رسند و به هم می‌آمیزند، زندگی آنجاست. خدا تو را احاطه می‌کند. کلیساها خالی‌اند و کابین‌های عشق مملو از خدایند (اشو، ۱۳۸۲: ۱۷۷).

دوم، نفی ازدواج و اصرار بر ارتباطات آزاد: اشو پیمان ازدواج را مانع تبلور عشق می‌داند و معتقد است: نمی‌گویم اگر زنی را دوست داری با او زندگی نکن. با او باش، اما نسبت به عشق صادق و وفادار بمان، نه نسبت به شخص. ... وقتی عشق ناپدید می‌شود، وقتی شادی از میان می‌رود، آن‌وقت باید به حرکت ادامه دهید... از همان لحظه‌ای که احساس می‌کنید دیگر از چیزی خوشتان نمی‌آید و آن چیز گیرایی و جاذبه‌اش را از دست داده است و شما را خوشحال نمی‌کند، از آن دست بردارید. فقط به او بگویید: متأسفم (اشو، ۱۳۸۳: ۱۰۷).

---

1. Tantra

من سراپا طرفدار عشقم؛ چون عشق با ازدواج شکست می‌خورد. مـن از ازدواج دل خوشـی ندارم (همان: ۲۳۰).

۲ـ راهکار مقابله با معنویت‌گرایی جدید

شکل‌گیری معنویت‌های جدید، معلول علت‌های متنوع و متکثـری اسـت کـه در حوزه‌هـای فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی، قابلیـت تبیـین پیـدا می‌کنـد؛ به‌نوعی که می‌توان همه را ذیل مدرنتیه تحلیل و بررسـی کـرد[1]. وجـوه متکثـر و ابعـاد متعـدد در معنویت‌ها، هم بر پیچیدگی آنها در تبیین مسئله و ارائه تعریف آنهـا می‌افزایـد و هـم راهکارهـای برخورد با این پدیده را با موانع جدی روبـه‌رو می‌کنـد. نکتـه مهـم ایـن اسـت کـه علـت ورود و استقبال از آنها در کشور ایران، نظر به اینکه می‌توان این رویکرد را مصداقی از تهاجم فرهنگی بـه حساب آورد، غیر از دلایل شکل‌گیری و استقبال از فرق جدید در کشورهای خاستگاه آنهاسـت. از همین رو، معتقدیم که رویکرد مسئولین امر در مواجهه با معنویت‌های نوپدید، باید مبتنـی بـر اطلاع‌رسانی و ارتقای راهکارهای لازم جهت بهبود اطلاع‌رسانی استوار باشد. به عبـارت دیگـر، هرچند که علل استقبال از معنویت‌گرایی جدید از سوی برخـی از ایرانیـان متعـدد اسـت، لکـن می‌توان عامل کلیدی و بنیادین را در «اطلاعات اندک دینی» پیروان بـه حسـاب آورد. بدین‌سـان، آگاهی اندک نسبت به ماهیت معنویت‌ها و پیامـدهای منفـی آنهـا در حـوزه مباحـث معرفتـی و اجتماعی را می‌توان به مثابه عامل اساسی استقبال از معنویت‌گرایی جدیـد بـه حسـاب آورد و از همین روست که اطلاع‌رسانی و ارتقای آگاهی درباره پیامدهای منفی آنها به منزله گام بنیادین در مواجهه با معنویت جدید قلمداد می‌شود.

از همین‌رو، راهبرد اساسی در مواجهه با معنویت‌گرایی جدید در مقام تحقـق معنویـت اسلامی - مندرج در بیانیه گام دوم - در راستای «ارتقای آگاهی عمومی» است و بـه منظـور رسیدن به این هدف نیز سه راهبرد قابل تصور است:

---

۱. مارشال برمن می‌نویسد: «امروزه وجه خاصی از تجربه حیاتی، تجربـه زمـان و مکـان، تجربـه نفـس و دیگـران، تجربه امکانات و خطرات زندگی وجود دارد، که مردان و زنان سراسر جهان در آن شریک‌اند. من این مجموعه یا بدنه از تجارب را مدرنیته می‌نامم. ... محیط‌ها و تجارب مدرن، تمامی مرزهای جغرافیایی و قومی، طبقاتی و ملی، دینـی و ایدئولوژیکی را درمی‌نوردند. در این معنا می‌توان گفت که مدرنیته کـل نـوع بشـر را وحـدت می‌بخشـد» (بـرمن، ۱۳۷۹: ۱۴).

نخست، راهبرد کوتاه‌مدت که عبارت است از: «بیان معایب معرفتی، فرهنگی و اجتماعی فرقه‌های نوپدید معنوی»؛

دوم، راهبرد میان‌مدت که عبارت است از: «تغییر نگرش ایرانیان در مورد باورهای فرقه‌های جدید»؛

سوم، راهبرد بلندمدت که عبارت است از: «ارتقای آگاهی از معایب فرقه‌های نوپدید و محاسن معنویت اسلامی به‌منظور تمایل ایرانیان به سوی باورها و لوازم معنویت اسلامی»[۱].

۱-۲ـ برنامه اقدام برای تحقق راهبرد کوتاه‌مدت

به منظور تحقق راهبرد «بیان معایب معرفتی، فرهنگی و اجتماعی معنویت‌های نوپدید»، برنامه‌های زیر قابل تصور بوده و اجرای آنها نیز ضروری به نظر می‌رسد:

سامان‌دهی منظم و منطقی اطلاعات «از پیشینه فعالیت‌های عملی و علمی در زمینه بررسی و نقد معنویت‌های جدید» و « از اسامی پژوهشگران و سازمان‌هایی که در این زمینه کارهایی را انجام داده‌اند» به منظور ایجاد جهادی فراگیر برای ارتقای آگاهی به پیامدهای منفی معنویت‌های جدید؛

تحقق جهشی فراگیر در سازمان‌ها و نهادهای مختلف نظام، به‌ویژه نهادهای فرهنگی برای آگاهی‌بخشی از پیامدهای منفی معنویت‌های جدید؛

تشکیل گروه‌های منسجم علمی برای رصد شبهات معنوی در لابه‌لای کتب غربی و در سطح جامعه ایرانی و دسته‌بندی منسجم آنها؛

---

۱. ناظر به راهبردهای سه‌گانه، چند تبصره نیز وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. جامعه هدف در این پژوهش جوانان ایرانی هستند و از همین‌رو، عمده برنامه‌هایی که در ادامه می‌آید، برای ارتقای آگاهی آنها فراهم شده است. ۲. پیش از اجرا نمودن راهبردهای مذکور، مقدماتی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ایجاد دغدغه در مسئولان و حل اختلاف مسئولان و اشتراک نظر آنان در لزوم دستیابی به هدف کلان؛ اصلاح برخی قوانین و نگرش‌های غیرواقعی به فرقه‌های جدید، سوق دادن برخی از پژوهش‌های میدانی درباره فرقه‌های نوپدید تا نگرش درست و به‌واقع از میزان تاثیرگذاری آنها بر جوانان روشن شود. ۳. انجام راهبردها و راهکارها در یک بازه زمانی و به‌صورت ترتیبی و به‌هم‌متصل قابل ترسیم است، تا میزان تأثیرگذاری آن بهتر باشد. برای آگاهی از تفصیل ر.ک: محمدحسین کیانی، برنامه‌ریزی راهبردی درباره ارتقای آگاهی عمومی در خصوص فرقه‌های جدید، ۱۳۹۹.

تشکیل گروه‌های تخصصی برای پاسخ‌دهی به شبهات مذکور؛

برگزاری انواع دوره‌های آموزشی برای اساتید مقاطع دانشگاهی، دبیران و مربیان آموزشی - پرورشی؛

برگزاری دوره‌های آموزشی تربیت مربی، مشاوره و پژوهشگر در زمینه پاسخ‌گویی به شبهات معنویت جدید؛

تدوین دوره‌های آموزشی اینترنتی برای شناخت معایب معنویت جدید و نحوه انتقال آن به مخاطبان.

۲-۲ـ برنامه اقدام جهت تحقق راهبرد میان‌مدت

به‌منظور تحقق راهبرد «تغییر نگرش ایرانیان در مورد باورهای معنویت جدید» برنامه‌های زیر قابل تصور بوده و اجرای آنها نیز ضروری به نظر می‌رسد:

ارائه برنامه‌های فوق‌العاده برای مدیریت هیجانات جوانان در حوزه‌های ورزش، هنر، کار و تفریح؛

موردپژوهی نقادانه برخی نظریات دینی و معنوی همچون: «دین مؤید جنگ‌های تاریخی»، «تزلزل شریعت در حوزه معنویت»، «راه‌های رسیدن به خدا» و ...؛

تحلیل مبانی نظریه‌هایی همچون: اخلاق سکولار، معنویت‌های نیهیلیسمی و برخی نظریات ایدآلیسم آلمانی و مکتب های تحلیل زبانی پیرامون دین و ...؛

تبیین همه‌جانبه رابطه سیاست و امپریالیسم با مسئله فرقه‌سازی در طول تاریخ در بین جوانان ایرانی؛

ساخت فیلم‌های مستند از سبك زندگی پیروان فرقه‌های دینی و نحله‌های معنوی؛

مستندات انتقادی درباره معنویت جدید.

۲-۳ـ برنامه اقدام جهت تحقق راهبرد بلندمدت

به‌منظور تحقق راهبرد «ارتقای آگاهی از معایب معنویت جدید و جلب تمایل ایرانیان به سوی معنویت اسلامی» برنامه‌های زیر قابل تصور بوده و اجرای آنها نیز ضروری به نظر می‌رسد:

طراحی دوره‌های ارشدِ نقد فرق دینی و معنویت جدید جهت شناخت علمی این پدیده

اجتماعی و نقد علمی و منصفانه آن؛

بازنگری در واحدها و سرفصل‌های متون درسی رشته‌های مرتبط با فرق دینی و نحله‌های معنوی (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه دین و اخلاق و ...)؛

توجه و سامان‌دهی به ظرفیت والدین و افراد مؤثر فرهنگی از جمله روحانیون، دانشگاهیان و فرهنگیان برای جلوگیری از انحراف جوانان در امور معنوی؛

زمینه‌سازی برای نوآوری در ارائه معارف اسلامی؛

بهره‌برداری از فرصت‌های ایجادشده به‌واسطه فعالیت فرق دینی و نحله‌های معنوی برای عرضه آموزه‌ها و محصولات معنویت شیعی؛

تهیه طرح‌های پژوهشی و مجریان باتجربه جهت احیای سنت‌ها و کتب عرفانی؛

بازنگری شیوه‌های توسل به اهل‌بیت و ارائه راهکارهای علمی - کاربردی در این زمینه؛

طراحی نمادها و نشانه‌های معنویت اسلامی و توزیع مناسب در جامعه؛

ارائه زندگی‌نامه عرفای بزرگ، کرامات، فضایل و سبك زندگی ایشان در قالب‌های متنوع رسانه‌ای؛

داستان‌نویسی مبتنی بر نکات عرفانی - معنوی نصوص و منابع اسلامی و همچنین، به نثر و نظم در آوردن برخی مناجات‌ها و ادعیه؛

تهیه فیلم از کرامات و حالات اخلاق - عرفانی بزرگان عرفا.

نتیجه‌گیری

معنویت‌های جدید به‌ویژه نمونه‌هایی که در قالب جنبش یا شبه‌جنبش‌های اجتماعی ظهور و بروز داشته‌اند، معمولا در دهه ۱۹۶۰ یا ۱۹۷۰ میلادی مبتنی بر مؤلفه‌های مدرنیته، بالاخص اومانیسم، سکولاریسم، عقلانیت ابزاری و غیر آن، داعیه ایده جدید و آسانی در به‌سعادت‌رساندن انسان معاصر را دارند. البته مراد از سعادت در مصادیق متفاوت، بسیار پراکنده و بعضا متناقض است؛ ضمن آنکه این گروه‌ها دارای پاره‌ای ویژگی مشترک‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: رهبر فرهمند با پیامی منحصربه‌فرد، طلب اطاعت محض از پیروان، ترویج معنویت شخصی، اقتباس از تعالیم دیگر ادیان و نقد کلیت ادیان، تلاش برای ارائه برداشت‌های دقیق‌تر و روشن‌تر از حقیقت، بیش از اندازه احساسی و تزلزل در بنیادهای معرفتی، تفاوت فاحش با سنت‌های عرفی، تعهد در سبک زندگی و تمایز میان خودی و غیرخودی و ... .

اکنون با گذشت چند دهه از فعالیت چنین معنویت‌هایی و شناخت اجتماعی و بررسی نتایج فعالیت آنان می‌توان گفت: روح تعالیم آنها حاوی مؤلفه‌های بنیادینی است که بعضا در تعارض و چالش با فرهنگ معنوی ایرانیان است. در حقیقت، ترویج آنها در فضای فرهنگی ایرانیان، موجب اشاعه باورها و معنویتی ناهمگون می‌شود؛ یعنی ترویج اومانیسم معنوی، تحریف فرجام‌گرایی، تبلیغ معنویت اباحه‌گرایانه و معنویت ماتریالیستی، تعبیر زمینی از عشق معنوی، تعبیر مادی از آرامش معنوی، ترویج معنویت منهای تعقل، خرافه‌پرستی و تحریف واقعیت، تبلیغ پلورالیسم دینی، استادباوری افراط‌گرایانه و تحریف نشاط معنوی به خوشی زودگذر و ... که البته در این مجال، به بررسی و تشریح برخی از این باورهای ناهمگون پرداختیم. بر همین اساس، ارتقای سطح آگاهی عمومی برای مقابله با معنویت‌گرایی جدید، در راستای تحقق معنویت اسلامی مندرج در بیانیه گام دوم، لازم و ضروری است.

برای ارتقای سطح آگاهی عمومی نیز می‌توان به راهبردهای سه‌گانه‌ای اشاره کرد. نخست، راهبرد کوتاه‌مدت تحت عنوان «بیان معایب معرفتی، فرهنگی و اجتماعی معنویت جدید»؛ دوم، راهبرد میان‌مدت که عبارت است از: «تغییر نگرش ایرانیان در مورد باورهای

معنویت‌گرایی جدید»؛ سوم، راهبرد بلندمدت که عبارت است از: «ارتقای آگاهی از معایب معنویت جدید و محاسن معنویت اسلامی به‌منظور تمایل ایرانیان به سوی باورها و لوازم معنویت اسلامی». اما باید به خاطر داشت که اغلب راهکارهای یادشده به منزله مجموعه اقدامات دفاعی در برابر گسترش معنویت‌های نوظهور در ایران است. تهاجم نرم فرهنگی که به فضای فرهنگی ایران وارد شد، تأثیرات قابل تأملی را از خود به جای گذاشته است. با اندك تأملی در باب میراث معنوی - عرفانی ایران اسلامی، به‌وضوح، کمیت و کیفیت باارزش این تراث قابل مشاهده است. منابعی که نه‌تنها توان متحول ساختن فضای فرهنگی ایران کنونی را داشته که پتانسیل ایجاد تغییرات معنوی بین‌المللی را در خود نهفته دارد. بدین‌سان، لازمه تحول و اشاعه این تراث باارزش معنوی و عرفانی، انجام تأملات ژرف و تهیه مجموعه اقدامات ملی -بین‌المللی است.

فهرست منابع

۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۲. اشو. شهامت، مترجم: خدیجه تقی‌پور، تهران، فردوسی، ۱۳۸۰.

۳. .....، آینده طلایی، مترجم: مرجان فرجی، تهران، فردوسی، ۱۳۸۱.

۴. .....، یک فنجان چای، مترجم: مسیحا برزگر، تهران، انتشارات داریوش، ۱۳۸۲.

۵. .....، تعلیمات تانترا ۳، مترجم: هما ارژنگی، تهران، نشر حم، ۱۳۸۳.

۶. توئیچل پال، سرزمین‌های دور، مترجم: هوشنگ اهرپور، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۷۹.

۷. سای بابا ساتیا، گیتای جدید، مترجم: مرتضی بهروان، تهران، آویژه، ۱۳۸۲.

۸. مورتی، کریشنا. زندگی پیش رو، ترجمه: پیمان آزاد، تهران، انتشارات صدای معاصر، ۱۳۷۶.

۹. برمن، مارشا تجربه مدرنیته، مترجم: مراد فرهادپور، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۹.

۱۰. کیانی، محمدحسین، «مؤلفه‌های معنویت نوپدید در ایران»، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۵۰-۵۱، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۵۷.

۱۱. .....، برنامه‌ریزی راهبردی درباره ارتقای آگاهی عمومی در خصوص فرقه‌های جدید، قم، مرکز پژوهشی مبنا (غیرمطبوع)، ۱۳۹۹.

۱۲. جمعی از نویسندگان، طرح مقابله با جنبش‌های نوپدید معنویت‌گرا، قم، معاونت تبلیغ حوزه علمیه (غیرمطبوع)، ۱۳۸۹